

بی طرفانه بودن در انتخابات و نقش کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان در تضمین انتخابات آزاد و منصفانه

محمد تقی محقق^۱

احمد علی صادقی^۲

آناهیتا صادقی^۳

چکیده

انتخابات به معنای فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان است. به عبارت دیگر، ابزاری است که به وسیله آن می‌توان، اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد. از مهمترین ویژگی‌های انتخابات، آزاد و منصفانه بودن آن است تا مورد قبول همگان واقع شود. در این نوشتار نگارنده پس از توضیح مفاهیم انتخابات، انتخابات آزاد و منصفانه و نظریه دموکراسی و اصول انتخابات آزاد و منصفانه در اسناد بین‌المللی به توضیح می‌پردازد و همچنین پس از توضیح به مواردی که اعلامیه شورای اتحاد بین‌المللی در ۲۶ مارس ۱۹۹۴ به اتفاق آرا به تصویب رسیده است و بعد از آن به بررسی تطبیقی مواد این اعلامیه با مواد قانون انتخابات افغانستان، تشکیل و عملکرد کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان که هدف از ایجاد چنین ارگانی ایجاد انتخابات شفاف و آزاد و منصفانه و عاری از تقلب است می‌پردازد و در انتها به این نتیجه می‌رسیم که تنها انتخاباتی را می‌توان مشروع و حافظ دموکراسی خواند که آزاد و منصفانه بودن از ویژگی‌های اصلی آن انتخابات تلقی شود چرا که انتخاباتی که شهروندان نتوانند آزادانه رای بدهند، آن انتخابات را هیچ‌گاه نمی‌توان انتخابات نامید زیرا انتخابات با ویژگی‌های آزاد و منصفانه بودن است که انتخابات نامیده می‌شود.

واژگان کلیدی: انتخابات، آزاد و منصفانه، کمیسیون مستقل انتخابات، افغانستان

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه شهید بهشتی - تهران - ایران.

۲. دانشجوی مقطع دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی - تهران - ایران.

۳. کارشناس حقوق دانشگاه مفید - قم - ایران.

مقدمه

اصطلاح انتخابات آزاد و منصفانه در اسناد بین المللی به منظور توصیف وضعیت انتخابات‌ها در کشورهایی که انتخابات آنها مطابق شرایط خاصی برگزار می‌شود، به کار گرفته می‌شود. شرایط برگزاری انتخابات در کشورها، به شکلی است که حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در آنها بدون هرگونه مانع یا اجباری امکان پذیر بوده و شرایط حاکم برانتخابات به گونه‌ای است که نتایج انتخابات را با هر رویکردی که باشد، به شکل عادلانه و بی طرفانه‌ای منعکس می‌سازد. پس انتخابات باید به گونه‌ای برگزار شود که بیانگر اراده انتخاب کنندگان باشد.

در حقیقت وجود نظام دموکراتیک مبتنی بر آرای مردم است که می‌تواند ظرفیت پایدار و با ثباتی برای سایر حق‌های سیاسی مدنی فراهم کند. انتخابات قابل اطمینان‌ترین تجربه بشری در اعمال حق مشارکت سیاسی است این به این معنا نیست که مفهوما و منطقا انتخابات تنها راه و وسیله تضمین حق بر مشارکت سیاسی است. مهمترین شیوه استقرار نظام‌های سیاسی بر اساس اراده عمومی انتخابات و همه پرسی است و رای گیری از مردم اگر به گونه‌ای صحیح صورت گیرد بیانگر خواست واقعی آنهاست و از نظر حقوق عمومی مهم این است که انتخابات آئینه تمام نمای اراده مردم باشد و امانت داری کامل آرا در آن رعایت گردد. در این نوشتار این سوال بوجود می‌آید که اساسا آیا انتخابات هایی که در افغانستان توسط کمیسیون مستقل انتخابات دایر شده است مطابق با معیارهای بین المللی به طور آزاد و منصفانه صورت گرفته است؟ کمیسیون مستقل انتخابات در افغانستان با هدف تقویت دموکراسی، کوشش برای انتخابات با کیفیت و پاسخگو، شفاف، ترویج اعتماد و اطمینان در روند انتخابات و ساختن نهادی پایدار برای برگزاری انتخابات آزادانه می‌کوشد. کمیسیون مستقل انتخابات به عنوان اداره آزاد و مستقل، مسئولیت تهیه و تصویب دستورالعمل‌ها، طرزالعمل‌ها و دیگر اسناد رهنمودی را در زمینه انتخابات بر مبنای احکام قانون اساسی و قانون انتخابات کشور به عهده دارد.

مفهوم انتخابات

واژه انتخابات به معنای گزینش و عمل کردن است و زمانی واقعیت بیرونی خواهد داشت که: اولاً اراده انسان آزاد پیش فرض گرفته شود.

ثانیا امکان اجرای این آزادی عمل گزینش وجود داشته باشد

ثالثا گزینه‌های مختلفی وجود داشته باشد تا از میان آنها گزینش صورت گیرد.

همچنین انتخابات سازوکاری برای شکل گیری یک نظام سیاسی و انتخاب مقامات

و نهادهای سیاسی است بنابراین انتخابات ابزاری است که بوسیله آن می‌توان اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی کشور و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی در کشور مداخله داد (احمدی، ۱۳۸۹: ۲۶).

و در تعریفی دیگر دکتر قاضی شریعت پناهی در تعریف انتخابات اینگونه نظر دارند که انتخابات مجموعه عملیاتی است که در جهت گزینش فرمان‌روایان یا تعیین ناظرانی برای مهار کردن قدرت، تدبیر شده است (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۸۳: ۵۷۷). از این دیدگاه، انتخابات به معنای فنون گزینش و شیوه‌های مختلف تعیین نمایندگان است. به عبارت دیگر، ابزاری است که به وسیله آن می‌توان، اراده شهروندان را در شکل‌گیری نهادهای سیاسی و تعیین متصدیان اعمال اقتدار سیاسی مداخله داد.

همچنین اینگونه هم تعریف می‌شود که انتخابات سلسله اقدامات و عملیات منسجم و پیوسته‌ای است که در یک محدوده جغرافیایی مشخص و در زمانی محدود و معین صورت می‌گیرد و منجر به برگزیده شدن فرد یا افراد یا موضوع و یا مرام خاصی از سوی اکثریت مردم می‌شود (عبدی، ۱۳۹۳: ۹۸).

گاهی همه‌پرسی را با انتخابات اشتباه می‌گیرند در حالی که انتخابات به منظور گزینش یک یا چند نفر است. هر چند همه‌پرسی در لغت معنای انتخابات را هم در بر دارد اما در عالم سیاست تنها به جریانی گفته می‌شود که طی آن حکومت‌ها پرسش‌ها یا اصلاحیه‌های قانونی را در اختیار مردم قرار می‌دهند، تا مردم یک یا چند مورد را انتخاب کنند.

در حقیقت وجود نظام دموکراتیک مبتنی بر آرای مردم است که می‌تواند ظرف پایدار و باثباتی برای سایر حق‌های مدنی و سیاسی فراهم کند (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۳: ۸۹). مهمترین شیوه استقرار نظام‌های سیاسی بر اساس اراده عمومی انتخابات و همه‌پرسی است و رای‌گیری از مردم اگر به گونه‌ای صحیح صورت گیرد بیانگر خواست واقعی آن‌هاست و از نظر حقوق عمومی مهم این است که انتخابات آئینه تمام‌نمای اراده مردم باشد و امانت‌داری کامل آرا در آن رعایت گردد.

حق انتخاب کردن متصدیان و مسوولان حکومت مصداق بارز حق تعیین سرنوشت است. این حق بنیادین در معنای موسع آن پس از حق حیات بنیادی‌ترین حق انسانی است این حق بنیادین ریشه در اصل اخلاقی عدم ولایت دارد بدین معنا که حسب فرض اولیه انسان‌ها از قید سرپرستی و ولایت دیگر انسان‌ها آزاد هستند و بنابر این هیچ انسانی حق ندارد و بدون رضایت انسانی دیگر در حوزه اختیارات وی دخل و تصرف کند این اصل را می‌توان با نگاهی دیگر به اصل برابری انسان‌ها در انسان بودن فروکاست.

بعبارت دیگر از آنجا که همه انسان‌ها در انسان بودن با هم برابر هستند اخلاقاً قابل قبول نخواهد بود که انسانهایی به خود اجازه دهند بدون رضایت و انتخاب دیگران بر آنها حکم برانند و آزادی آنها را محدود کنند. پذیرش اصل عدم ولایت و یا بعبارت دیگر اصب غایت بودن انسان و روی دیگر آن یعنی منع استفاده ابزاری از انسان به همان میزان که مبنای مستحکم اخلاقی برای حق انتخابات کردن فراهم می‌کند بنای محکم و سازگاری برای حق انتخاب شدن یا کاندیداتوری تدارک می‌بیند. بارزترین تجلی حق تعیین سرنوشت در حوزه‌های داخلی حق مشارکت سیاسی است که دو جلوه و نمود کلی دارد که حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن (تصدی مشاغل عمومی). نادیده گرفتن حق انتخاب دیگران چیزی جز استفاده ابزاری از آن نیست انسان عاقل بالغ زمانی مسوول است که خود تصمیم بگیرد و زمانی می‌توان عمل او را مستحق مدح و یا ذم اخلاقی دانست که با اراده آزاد انتخاب گردیده باشد. پیامد حقوقی این حق به رسمیت شناختن حق انتخاب آزاد در تعیین سرنوشت سیاسی است. انتخابات آزاد و دوره‌ای به دور از دخالت‌های تحدیدی نظارتی به وضوح ترجمان این ایده اخلاقی است (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۳، ۹۶-۹۴).

با آنکه از ایام باستان، گاه‌گاه نشانه‌هایی از دخالت مردم در گزینش مسوولان به چشم می‌خورد، لکن باید گفت اساس اندیشه‌ای که فن گزینش را به عنوان موجه‌ترین و مشروع‌ترین ابزار وصول به قدرت و همچنین رایج‌ترین شیوه اعمال اراده مردم قرار دهد، امری جدید است، زیرا پیش از اینها فرمانروایان جوامع نیز از زمره داده‌های طبیعی تلقی می‌شدند. یعنی همانگونه که اقلیم و امراض و شکل و رنگ افراد، قابل انتخاب کردن نبود، فرمانروایان نیز در اکثر جوامع، توسط جبری خارج از اراده مردم بر آنها تحمیل می‌شد. اندیشه حاکمیت ماوراء الطبیعه‌ای، با ریشه مشترک و صور کم و بیش متفاوت، در اغلب نقاط عالم غلبه داشت (دیلمی، ۱۳۷۸: ۱۰۳).

اصل وراثت، عامل اساسی کسب مسند فرمانروایی و یا انتقال قدرت به شمار می‌آمد؛ نه انتخاب و گزینش. به طوری که در تاریخ سیاسی بریتانیا دیده می‌شود، نخستین سنگ بنای انتخابات به معنی امروزی کلمه، در این مملکت گذارده شد. در آغاز، سلطنت مطلق زیر فشار طبقه اشراف زمیندار و نجبای روحانی و نظامی به انتقال بخشی از قدرت خود به آنان، دست کم در زمینه رایزنی در امور مالی و مالیاتی مبادرت ورزید. آنگاه به سبب تحول در وسایل تولید صنعتی و توجه به بازرگانی و قوت گرفتن بورژوازی شهری و درخواست‌های روزافزون این طبقه روبه‌رشد، برای مشارکت در اینگونه تصمیم‌گیری‌های مملکتی مالا دربار انگلستان تن به قبول و شناخت این نیروی جدید و

پویای اجتماعی نیز داد و موافقت کرد که (نمایندگان) بورژوازی صنعت، بازرگانی، روشنفکری و مشاغل آزاد نیز در پارلمان انگلستان شرکت جویند. این تحول نخستین بار مساله انتخاب نمایندگان را مطرح کرد و پایه انتخابات را به گونه ابتدایی و ساده آن، در این کشور ریخت. از همان زمان آرام آرام، شیوه‌های گزینش و فنون مربوطه راه تکامل در پیش گرفت و از صورت امری اتفاقی زودگذر، به صورت نظامی منسجم در آمد و کم‌کم وارد شبکه حقوق اکثر کشورهای عالم گردید (<http://vista.ir/article/288566/>). رضایت همگانی و پشتیبانی عمومی از ارکان حاکمیت هنگامی تحقق خواهد یافت که نظام سیاسی بر دلها حکومت کند و مردم نیز حکومت را متعلق به خود و بر آمده از ترنده آزاد خویش بدانند (غفوری، ۱۳۷۸، ۱۴۰).

انتخابات آزاد و منصفانه

هر چند اصل معنا و مفهوم انتخابات آزاد و عادلانه هم زمان با شکل گیری نظام مدرن حقوق بشری و تدوین اسناد مهمی چون منشور سازمان ملل متحد (۱۹۴۵) و اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) مورد توجه جامعه بین المللی بوده است، اما به کارگیری این اصطلاح در این قالب، بیشتر به دهه نود، به ویژه سال ۱۹۹۴ برمی‌گردد که اعلامیه‌ای تحت عنوان «معیارهای انتخابات آزاد و عادلانه» در یکصد و پنجاه و چهارمین اجلاس شورای بین پارلمانی به تصویب رسیده است. (Guy s. Goodwin- Gill, 2006, Pp. V, VII.)

هر انتخابات باید از دو ویژگی آزاد و منصفانه بودن برخوردار باشد آزاد بودن انتخابات به معنای برخورداری از حق و فرصت انتخاب براب همگان است و اینکه نباید فرد به نحو رسمی حقوقی و نه به طور واقعی در انتخابات خود محدود شود. همچنین این جنبه از انتخابات در بر گیرنده حقوق و آزادی‌های بنیادین ضروری برای انتخابات در سه مرحله قبل از روز برگزاری، روز انتخابات و روز پس از انتخابات است. اما بعد انصاف بیانگر جنبه‌های مختلف بی طرفی در انتخابات است. مفهوم منصفانه بودن از یک سو به معنای قاعده مندی انتخابات است که در قوانین و آیین نامه‌های انتخاباتی دلالت می‌کند و از سوی دیگر شامل مفهوم معقولانه بودن است. بدین معنا که باید با همه رقبای سیاسی و به طور کلی بازیگران در انتخابات به نحو معقولانه برخورد شود (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۳، ۱۱۰-۱۰۹).

به طور کلی، اصطلاح انتخابات آزاد و عادلانه در اسناد بین المللی و توسط جامعه بین المللی به منظور توصیف وضعیت انتخابات‌ها در کشورهایی که انتخابات آنها مطابق شرایط خاصی برگزار می‌شود، به کار گرفته می‌شود. شرایط برگزاری انتخابات در این گونه کشورها، به شکلی است که حق انتخاب کردن و رأی دادن و انتخاب شدن در آنها

بدون هرگونه مانع یا اجباری امکان پذیر بوده و شرایط حاکم برانتخابات به گونه‌ای است که نتایج آن انتخابات را با هر رویکردی که باشد، به شکل عادلانه و بی‌طرفانه‌ای منعکس می‌سازد. در حقیقت آن انتخابات باید به گونه‌ای برگزار شود که بیانگر اراده انتخاب کنندگان باشد.

آزاد و منصفانه تیکه کلامی است که اغلب علی رغم ابهام و چند بعدی بودنش به عنوان یک ویژگی انتخابات به کار می‌رود به دلیل حساسیت سیاسی سازمان ملل و دیگر سازمانهای بین المللی در متن اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها از این ویژگیها بیشتر تاکید شده است. برای آنکه یک انتخابات در زمره انتخابات آزاد و منصفانه قرار گیرد باید انصاف و بی طرفی بر همه ابعاد رفتار فعالان و رقبای سیاسی حاکم باشد (الکیت: ص ۷۶).

دو عنصر آزاد و منصفانه می‌توانند به عنوان دو بعد مستقل انتخابات که باید به روشنی تعریف شده و از دیگر مولفه‌های دموکراسی متمایز شوند همچنین این دو عنصر باید عملیاتی شوند به گونه‌ای که نه تنها برای ارزیابی انتخابات مورد استفاده قرار می‌گیرند بلکه در مورد پی بردن به پتانسیل انتخابات برای مساعدت در گسترش دموکراسی نیز مورد توجه واقع شوند. در ابتدا بعد آزادی مورد توجه قرار خواهد گرفت چرا که در غیر این صورت انصاف به مساله‌ای اختلافی و لاینحل تبدیل خواهد شد آزاد بودن به معنی بهره مندی از حق و فرصت برای انتخاب است و اینکه فرد نباید به طور رسمی و حقوقی و نه به طور واقعی در انتخاب اعمالش محدود شود. اما بعد انصاف جنبه‌های مختلف بی طرفی در فرآیند انتخابات را منعکس می‌سازد در هر زمانی که با یکی از عوامل سیاسی شامل رای دهنده، حامی یک حزب خاص، گروهی از رای دهندگان، یک کاندیدا و یا گروهی از کاندیدا و یا یک حزب سیاسی یا تعدادی از احزاب به نحو مستقیم یا غیر مستقیم در مقایسه با دیگر عوامل سیاسی به نحوی تبعیض آمیز و متفاوت برخورد شود و این برخورد متفاوت، منجر به تغییر نتایج انتخاباتی به نفع یکی از عوامل سیاسی گردد منصفانه بودن فرآیند انتخابات زایل می‌شود. بنابراین مفهوم منصفانه بودن، مفهوم قاعده مندی را نیز در بر می‌گیرد که بر قوانین و آیین نامه‌هایی دلالت میکند که در جهت برگزاری نظام مند انتخابات یعنی عدم جانبداری و عمل بر طبق قانون اعمال می‌شوند مفهوم منصفانه بودن همچنین شامل مفهوم معقولانه بودن نیز می‌باشد و بر این مفهوم دلالت میکند که همه رقبای سیاسی به نحو معقولانه برخورد شود برای مثال منابع دخیل در رقابت سیاسی مانند دسترسی به رسانه‌ها به نحو برابر به آنها اختصاص یابد (الکیت، ۸۰-۷۸).

در سطح کلی دولت‌ها ملزم هستند امور داخلی خود را به گونه‌ای سامان دهند که

اقتدار حکومت بر اراده‌ی مردم مبتنی باشد اراده‌ای که در انتخابات ادواری و واقعی بیان شده است اصل تاثیر بخشیدن و کارآمد ساختن تعهدات مستلزم آن است که دولتها قوانین و آیین‌ها یا نظام‌های سازمانی را در داخل کشور اتخاذ کنند که باعث تحقق اهداف مورد نظر حقوق بین الملل باشد. نه آنکه آنها را از نیل به این اهداف باز دارند. این اصل متضمن آثار و تبعاتی خاص در برگزیدن شیوه‌هایی است که در مورد انتخابات آزاد و منصفانه به کار می‌رود حتی اگر هیچ یک از این شیوه‌ها را نتوان بالصراحه تکلیفی بین المللی قلمداد کرد این مشخصه‌های اجرای موثر انتخابات آزاد و منصفانه به هر حال در رویه‌های دموکراسی‌های مستقر و کشورهای در حال گذار به دموکراسی نمایان و برجسته هستند و از حیث نیل یا عدم دستیابی به هدف مذکور مطمح نظر قرار می‌گیرند.

اقدامات و معیارهای لازم و ضروری به ۱۰ مقوله گسترده تقسیم می‌شوند:

۱. قوانین و نظام‌های انتخاباتی
۲. تعیین حوزه‌های انتخاباتی
۳. مدیریت انتخابات
۴. حق رای دادن
۵. ثبت نام رای دهندگان
۶. آموزش مدنی و اطلاع رسانی و آگاهی دادن به رای دهنده
۷. نامزدها احزاب سیاسی و سازماندهی سیاسی از جمله تامین مالی
۸. مبارزات انتخاباتی شامل حمایت و رعایت حقوق اساسی بشر، نشست‌های سیاسی، دسترسی و پوشش رسانه‌ها
۹. ریختن رای به صندوق نظارت و نتایج انتخابات
۱۰. شکایت‌ها و حل و فصل اختلافات

نظریه‌های دموکراسی

بیشتر نظریه پردازان مدرن دموکراسی رقابت انتخاباتی را به عنوان مولفه ضروری دموکراسی مورد توجه قرار داده‌اند. یکی از نمونه‌های متفذ این نظریه‌ها نظریه «رابرت ای. دال»^۱ دانشمند امریکایی علوم سیاسی است او معتقد است چند تن سالاری اصلاح مرجع او برای نزدیکی واقعی به ایده آل دموکراتیک که آن را برای جلوگیری از خلط آنچه معمولاً دموکراسی نامیده می‌شود با دموکراسی مطلق یا کامل به کار می‌برد به مثابه نظم سیاسی است که مشخصه آن میزان فوق العاده آزاد سازی و مشارکت گسترده (همگانی یا بدون تبعیض) است. او نظم سیاسی چند تن سالارانه را از طریق

۱. Robert A. Dahl

وجود نهادهای هفتگانه تعریف می‌کند یعنی همه چیزهایی که وجود آنها برای قرار گرفتن حکومتی در طیف حکومت‌های دموکراتیک - چند تن سالاری ضروری است. چنان که او می‌نویسد یکی از آن نهادها انتخابات آزاد و منصفانه استبدین معنا که مقامات انتخاباتی بوسیله انتخابات ادواری و منصفانه‌ای که اجبار در آن راه ندارد انتخاب شوند. او مانند بیشتر نظریه پردازان دموکراسی چندان به جزئیات آنچه از انتخابات آزاد و منصفانه مراد می‌کند نمی‌پردازد. با وجود این تاکید میکند که انتخابات نمی‌تواند کمکی به پیشرفت دموکراتیک نماید مگر اینکه ابتدا دیگر حقوق و آزادی‌های بنیادین دموکراسی نظیر حق دسترسی به منابع اطلاعاتی، آزادی بیان و آزادی سازماندهی گروه‌ها و تشکیلات به رسمیت شناخته شده و تضمین شوند این نکته با ادعای دال سازگار است ادعای پیشرفت دموکراسی در صورت گسترش و تمهیداتی برای امکان رقابت پیش از مشارکت ماتتد گسترش حق رای یا گسترش ماهوی حق انتخاب شدن بیشتر تضمین خواهد شد بر مبنای این نظر انتخابات آزاد و منصفانه خود متضمن پیش فرض برخی دیگر از نهادها در جهت چند تن سالاری دموکراسی است که به نحوی قطعی تاسیس شده و تضمین گردند. چنین نهادهایی فی نفسه قبل از برگزاری انتخاباتی آزاد و منصفانه در استحکام نظم سیاسی چند تن سالارانه نقشی مهم ایفا می‌کنند چنانکه دال نیز در سال ۱۹۹۲ نوشت: انتخابات آزاد و منصفانه نتیجه نهایی فرآیند گسترش دموکراسی است نه آغاز آن (الکلیت، ۷۸-۷۶).

اصول انتخابات آزاد و منصفانه در اسناد بین المللی

اندیشه دموکراسی و حق مشارکت همه افراد در اسناد بین المللی اعم از جهانی، بین المللی و فرامنطقه‌ای ذکر شده است زیرا ماهیت به نتیجه ختم خواهد شد (گودوین گیل، ۱۳۸۹: ۱).

حق مشارکت سیاسی در حقیقت ترجمان حق بر تعیین سرنوشت است و این حق در اسناد بین المللی دو جلوه یا نمود کلی دارد یکی عبارت از قلمرو داخلی است و دیگری عبارت از قلمرو خارجی (قاری سید فاطمی، ۱۳۹۳: ۹۶-۹۴).

منشور ملل متحد

در کنفرانس سانفرانسیسکو (۱۹۴۵) از حق تعیین سرنوشت به عنوان بازتابی از بیان آزاد و واقعی اراده مردم سخن به میان آورده است لیکن این چارچوب سیاسی در آن زمان چنان گسترده نبود که شامل ادعای داشتن حکومت برگزیده مردم یا حکومت دموکراتیک باشد. سالیان بعد حق تعیین سرنوشت در حوزه روابط بین الملل نقش عمده در تعارضات سیاسی میان گرایش‌های سوسیالیستی و غربی ایفا نمود. البته در آن زمان

در سازمان ملل بر حق تعیین سرنوشت در عرصه استعمارزدایی و مبارزه با رژیم‌های نژاد پرست تاکید می‌شد (گودوین گیل، ۱۳۹۳: ۱۱-۱۰).

یکی از اهداف منشور ملل متحد، توسعه و اعتلای روابط دوستانه میان ملت‌ها بر اساس احترام و رعایت اصل برابری حقوق و تعیین سرنوشت مردمان بر شمرده است. «توسعه روابط دوستانه در میان ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملل، و انجام سایر اقدامات لازم برای تحکیم صلح جهانی.» (Paragraph 2 of Article 1 of the UN Charter).

همچنین همکاری بین المللی در تشویق رعایت و احترام به حقوق و آزادی‌های بنیادین انسانی بدون هرگونه تبعیض مبتنی بر نژاد، جنسیت، دین و مذهب از اهداف جامعه ملل دانسته است.

«حصول همکاری بین المللی در حل مسایل بین المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا بشردوستانه است، از طریق پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب.» (Paragraph 3 of Article 1 of the UN Charter) همچنین موضوع حقوق بشر و آزادی‌های اساسی هم مطرح شده است. که در ماده فوق آمده است: «ترویج همکاری بین المللی در امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادی‌های سیاسی برای همه، بی هیچ تبعیض از حیث نژاد و جنس و زبان و مذهب» (Paragraph B of Article 13 of the UN Charter)

لیکن در این ماده «بر تأمین روابط دوستانه بر پایه احترام به اصل تساوی حقوق ملل و اصل حق آنها در تعیین سرنوشت خود» (Article 55 of the UN Charter) تاکید شده است و بویژه در بند پ این ماده مذکور اینگونه صراحت دارد که: «احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد و جنس و زبان یا مذهب» (Paragraph (c) of Article 55 of the UN Charter)

در نهایت باید به این بند از ماده هم اشاره کنیم که: «کمک به پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی سکنه سرزمین‌های تحت قیمومت و پیشرفت تدریجی آنان به سوی حاکمیت ملی یا استقلال با توجه به وضع خاص هر سرزمین و مردم آن و تمایلات جمعیت مزبور که آزادانه ابراز شده باشد و بر طبق مقرراتی که ممکن است در هر موافقتنامه قیمومت پیش بینی شده باشد.» (Paragraph B of Article 76 of the UN Charter)

اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر و دو فرزند آن یعنی میثاق بین المللی حقوق مدنی سیاسی

و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سه سندی هستند که منشور بین المللی حقوق بشر را تشکیل می‌دهند. حق تعیین سرنوشت و جلوه‌های گوناگون آن بویژه در دو سند اول انعکاس محوری داشته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند ۱ و ماده ۱۱ ضمن ذکر حق ایفای نقش و مشارکت در امور کشور داری و حکومت از طریق انتخاب کردن و انتخاب شدن، تصریح میکند که اراده و خواست مردم مبنا و اساس صلاحیت حکومت است و البته این اراده از طریق انتخابات حقیقی و دوره‌ای در فرایند رای گیری آزاد اظهار خواهد شد.

در اعلامیه جهانی حقوق بشر که به اختصار به آن اشاره شد، مبانی اصلی «حقوق انتخاباتی» را بیان می‌کند

«۱. هرکس حق دارد مستقیماً یا به وسیله نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده باشند در اداره امور عمومی کشور خود شرکت جوید.

۲. هرکس حق دارد با تساوی شرایط به مشاغل عمومی کشور خود نائل شود

۳. اراده ملت اساس قدرت اختیارات ملی است، این اراده به وسیله انتخابات شرافتمندانه صورت می‌گیرد که دوره به دوره از طریق انتخابات عمومی یکسان، با رای مخفی یا بنا به روشی مشابه با آن که آزادی رای را تامین، انجام می‌یابد.» (Article 21 of the Universal Declaration of Human Rights)

حقوقی که بعدها به شرح زیر توسعه یافت:

«هر شهروند باید از این حق و فرصت برخوردار باشد که بدون هیچ یک از تبعیضات مذکور در بند ۲ و بدون محدودیت‌های غیر معقول:

الف - در اداره امور عمومی مستقیماً یا از طریق نمایندگانی که آزادانه انتخاب شده‌اند شرکت نماید.

ب - در انتخابات ادواری واقعی که از طریق رای گیری همگانی مساوی و مخفی صورت می‌گیرد و ضامن بیان آزادانه‌ی اراده‌ی انتخاب کنندگان است رای بدهد و انتخاب شود.

ج - بر اساس شرایط عمومی یکسان بتواند به مناصب عمومی کشور خود نائل شود.» (Article 25 of the International Covenant on Civil and Political Rights)

با وجود این، چنین مقرره‌ای شکلی اگر با حقوق سیاسی و مبارزاتی توأم نشود تاثیر ماهوی اندکی دارد، حقوقی که برای هر روند انتخاباتی هدفمند، حیاتی قلمداد می‌شود. مواد ۱۹ و ۲۱ و ۲۲ به ویژه از این حیث قابل توجه‌اند. در ماده نوزدهم میثاق حقوق مدنی سیاسی آمده است: «۱- هیچکس را نمی‌توان به سبب عقایدش مورد مزاحمت و تهدید قرار داد.

۲. هرکس حق آزادی بیان دارد این حق شامل آزادی تفحص، تحصیل و تبادل اطلاعات

و افکار از هر قبیل، بدون توجه به مرزها چه به صورت شفاهی، کتبی یا چاپی به شکل هنری یا به هر وسیله‌ی دلخواه می‌باشد.

۳. اعمال حق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم تکالیف و مسئولیت‌هایی خاص هستند و لذا ممکن است تابع محدودیت‌هایی معین قرار گیرند که در قانون تصریح شده‌اند و برای امور ذیل ضرورت دارند

الف. احترام به حقوق یا حیثیت دیگران

ب. حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، بهداشت یا اخلاق عمومی.» (Article 19 of the International Covenant on Civil and Political Rights)

همچنین در دیگر ماده حقوق مدنی سیاسی آمده است «حق تشکیل مجامع مسالمت آمیز به رسمیت شناخته می‌شود اعمال این حق نباید تابع هیچ گونه محدودیت باشد جز آنچه طبق قانون مقرر گردیده و در هر جامعه دموکراتیک در جهت امنیت ملی یا سلامت عمومی، نظم عمومی، حمایت از بهداشت یا اخلاق عمومی، یا حقوق یا آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد.» (Article 21 of the International Covenant on Civil and Political Rights)

و در دیگر و آخرین ماده‌ای که به این موضوع اشاره شده است آمده است که:

«۱. هر کس برای حمایت از منافع خود از حق آزادی انجمن با دیگران، از جمله حق تشکیل یا پیوستن به اتحادیه‌های صنفی برخوردار است.

۲. اعمال این حق تابع هیچگونه محدودیت نمی‌تواند باشد مگر آنچه که به موجب قانون مقرر شده و در هر جامعه دموکراتیک در جهت امنیت ملی یا سلامت عمومی، نظم عمومی، حمایت از بهداشت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های دیگران ضرورت داشته باشد.» (Article 22 of the International Covenant on Civil and Political Rights)

این حقوق سیاسی توأم با استحقاق جمعی به انتخابات آزاد و منصفانه مبنایی حقوقی برای داشتن حکومتی برگزیده مردم به شمار می‌رود.

شورای اتحادیه بین‌المجالس (۱۹۹۴)

برگزاری انتخابات آزاد و عادلانه در همه کشورهای جهان یکی از اهداف سازمان‌های بین‌المللی، مانند اتحادیه بین‌المجالس است. این اتحادیه یک سازمان بین‌المللی متشکل از پارلمان‌های ۱۵۴ کشور است که در سال ۱۸۸۹ تأسیس شد و هدف از آن کمک به صلح و همکاری میان ملت‌ها با گفتگو میان پارلمان‌های جهان است. اتحادیه بین‌المجالس در سال ۱۹۹۴ قطعنامه‌ای را با عنوان معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه تصویب کرد. متن حاضر ترجمه این قطعنامه است (<http://www.saaad.net/read/575>).

اعلامیه راجع به معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه

اعلامیه شورای اتحاد بین مجالس در ۲۶ مارس ۱۹۹۴ به اتفاق آرا به تصویب رسیده است. شورای بین المجالس بر اهمیت اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تاکید می‌کند. این پیمان نامه‌ها اراده ملت را که از طریق انتخابات‌های واقعی و ادواری مشخص می‌شود اساس اقتدار حکومت می‌داند (گودوین گیل، ۱۳۹۳: ۳۰-۲۳).

از اصول اساسی مربوط به انتخابات ادواری آزاد و منصفانه که توسط کشورها از طریق اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای به رسمیت شناخته شده حمایت کرده و آن‌ها را به رسمیت می‌شناسد. این اصول شامل حق ایفای نقش مستقیم یا غیرمستقیم در دولت کشور متبوع از طریق نمایندگانی است که در انتخاباتی آزاد مشخص شده‌اند یا از طریق شرکت در انتخابات آزاد. همچنین شامل حق برخورداری از فرصت‌های برابر برای نامزد شدن در انتخابات، حق اظهار نظر سیاسی به صورت انفرادی یا گروهی است. از این نکته آگاه است که هر کشوری برای انتخاب آزادانه نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود بر اساس اراده مردم‌اش حقی بی‌چون و چرا دارد. کشورهای دیگر نباید در انطباق دقیق با منشور سازمان ملل متحد در این انتخاب دخالتی کنند. در پی حمایت از تاسیس دولت‌های منتخب با نظام‌های دموکراتیک و تکثرگرا در سراسر جهان است.

تایید می‌کند که مسئولیت استقرار و تقویت نهادها و فرایندهای دموکراتیک بر عهده دولت‌ها، رای دهندگان و نیروهای سیاسی سازمان یافته است؛ انتخابات ادواری و واقعی عنصری لازم و حیاتی در تلاش مستمر برای حمایت از حقوق و منافع مردم است. حق افراد برای مشارکت در دولتداری به عنوان یک تجربه عملی، عاملی مهم برای بهره‌مندی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است.

از نقش رو به گسترش سازمان ملل متحد، اتحادیه بین‌المجالس، سازمان‌های منطقه‌ای و مجالس، سازمان‌های غیردولتی ملی و بین‌المللی در ارائه کمک انتخاباتی به دولت‌های خواستار این کمک استقبال می‌کند.

بنابراین براین اساس این شورا قطعنامه انتخابات آزاد و منصفانه ذیل را می‌پذیرد و از دولت‌ها و مجالس کل جهان می‌خواهد که از اصول و معیارهای این قطعنامه پیروی کنند.

انتخابات آزاد و منصفانه

اقتدار دولت در هر کشوری تنها از اراده مردمش بر می‌خیزد. اراده‌ای که از طریق انتخابات آزاد و منصفانه‌ای تحقق می‌پذیرد که در دوره‌های مشخص و بر اساس حق رای

عمومی برگزار می‌شود.

رای دادن و حقوق انتخاباتی

هر شهروند بالغی بدون هیچ تبعیضی حق دارد در انتخابات رای بدهد:

۱. هر شهروند بالغی حق دارد برای ثبت نام به عنوان رای دهنده به فرایندی عاری از تبعیض، بی طرف و موثر دسترسی داشته باشد.
۲. هیچ شهروند واجد شرایطی نباید از حق رای محروم شود و یا برای ثبت نام به عنوان رای دهنده بدون صلاحیت شناخته شود؛ مگر در شرایطی که قانون معیارهای منصفانه و قابل تشخیصی برای این کار معین کرده باشد. این قوانین باید با تعهدات کشور به قوانین بین المللی مطابقت کند.
۳. فرد محروم از حق رای و یا ثبت نام به عنوان رای دهنده باید اجازه داشته باشد از دادگاهی که قدرت بازبینی چنین احکامی را دارد و قادر به تصحیح موثر و سریع اشتباهات است فرجام خواهی کند.
۴. تمامی رای دهنده‌ها باید برای استفاده از حق رای خود به حوزه‌های رای گیری دسترسی یکسان و موثر داشته باشند.
۵. هر رای دهنده باید بتواند مانند دیگران از حق رای خود استفاده کند. رای افراد با یکدیگر برابر و هم وزن است.
۶. به هیچ وجه نمی توان حق قطعی افراد برای محرمانه ماندن محتوای رای شان را محدود کرد.

حقوق و مسئولیت‌های نامزدی، حزب‌های سیاسی، و مبارزات انتخاباتی

۱. تمام افراد می‌توانند در دولت کشورشان مشارکت کنند و از فرصتی برابر برای نامزدی در انتخابات برخوردار باشند. معیار مشارکت در دولت باید براساس قانون اساسی و قوانین موضوعه هر کشور مشخص شود و نباید با تعهدات بین‌المللی کشور منافاتی داشته باشد.
۲. تمام افراد از حق عضویت در احزاب و سازمان‌های سیاسی و یا تشکیل آن‌ها برای رقابت در انتخابات برخوردارند.
۳. همه به صورت فردی و یا گروهی می‌توانند:
 - بدون دخالت دیگران آراء سیاسی خود را بیان کنند.
 - برای تصمیم‌گیری آگاهانه، امکان جستجو، دریافت و یا انتقال اطلاعات را داشته باشند.
 - برای تبلیغات و مبارزات انتخاباتی، آزادانه در کشور جابه جا شوند.
 - در شرایطی برابر با سایر احزاب سیاسی، از جمله حزب سیاسی حاکم، تبلیغات انتخاباتی کنند.

۴. هر نامزد انتخاباتی و هر حزب سیاسی باید برای ارائه دیدگاه‌های سیاسی خود از فرصت برابر دسترسی به رسانه‌ها، به ویژه رسانه‌های عمومی برخوردار باشد.
۵. حق نامزدها برای برخورداری از امنیت خود و دارایی‌هایشان باید پذیرفته و به رسمیت شناخته شود.
۶. هر نامزد و یا حزب سیاسی باید در برابر نقض حقوق سیاسی و انتخاباتی از حمایت قانون برخوردار باشد.
۷. حقوق ذکر شده تنها در موارد استثنایی تعیین شده در قانون و در موارد ضروری در جامعه دموکراتیک به شکلی که در جهت امنیت ملی، نظم عمومی، بهداشت یا اخلاق عمومی و دیگر حقوق و آزادی‌های تضمین شده دیگران باشد تعطیل می‌شود، منوط به اینکه با تعهدات بین المللی دولت منافاتی نداشته باشد. در چنین شرایطی محدودیت‌های مجاز که بر نامزدها یا فعالیت احزاب سیاسی اعمال می‌شود نباید اصل عدم تبعیض براساس نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقیده سیاسی و دیگر عقاید را نقض کند و یا براساس تبار، ملیت، محل تولد، و یا دارایی افراد باشد.
۸. هر فرد و گروهی که حقوقش در زمینه نامزدی، فعالیت حزبی و یا تبلیغات انتخاباتی تعطیل و یا محدود شده حق دارد در دادگاهی که قدرت بازبینی این تصمیم و تصحیح اشتباهات احتمالی را دارد فرجام بخواند.
۹. حقوق مربوط به نامزدی در انتخابات، فعالیت حزبی و یا تبلیغات انتخاباتی مسئولیت‌هایی را نیز در قبال جامعه با خود می‌آورد. به طور خاص هیچ نامزد یا حزب سیاسی نباید دست به خشونت بزند.
۱۰. تمام نامزدها و احزاب سیاسی رقیب در انتخابات باید حقوق و آزادی‌های دیگران به رسمیت بشناسند.
۱۱. تمام نامزدها و احزاب سیاسی رقیب باید به نتیجه یک انتخابات آزاد و منصفانه احترام بگذارند.

حقوق و مسئولیت‌های دولت

۱. دولت‌ها موظفند طبق فرایندهای تعیین شده در قانون اساسی خود، و هم‌سو با تعهدات بین المللی‌شان، گام‌های قانونی و دیگر تدابیر لازم برای تضمین حقوق و چهارچوب سازمانی یک انتخابات ادواری، منصفانه و آزاد را عملی کنند. دولت‌ها به ویژه باید:
 - فرایندی عاری از تبعیض، موثر و بی‌طرف را برای ثبت نام رای‌دهندگان ایجاد کنند.
 - معیارهایی روشن از قبیل سن، تابعیت و محل اقامت را برای ثبت نام رای‌دهندگان مشخص کنند و مطمئن شوند و این معیارها یکسان و بدون تبعیض اعمال می‌شوند.

- تشکیل و فعالیت احزاب سیاسی آزاد را در قانون لحاظ کنند و در صورت امکان منابع مالی احزاب سیاسی و مبارزات انتخاباتی را ضابطه مند نماید. از جدایی حزب و دولت اطمینان حاصل کند و زمینه رقابت عادلانه را در انتخابات پارلمانی فراهم کند.

- برای اطمینان خاطر از آشنایی مردم با فرایندهای انتخاباتی و پیامدهای آن ابتکار عمل را در برنامه‌ای فراگیر جهت آموزش‌های مدنی در دست بگیرند و یا انجام این برنامه‌ها را تسهیل کنند.

۲. در عین حال دولت‌ها باید سیاست گذاری‌ها و گام‌های بنیادین لازم را برای اطمینان از رسیدن تدریجی به اهداف دموکراتیک و تحکیم آن‌ها بردارند. وضع نظامی بی‌طرف و یا متعادل برای مدیریت انتخابات از جمله این تدابیر است. برای این کار دولت‌ها باید در کنار اقدامات دیگر به موارد زیر عمل کنند:

- مطمئن شوند کسانی که مسئول بخش‌های مختلف انتخابات هستند آموزش لازم را دیده‌اند و بی‌طرفانه عمل می‌کنند و رای‌دهندگان از فرایندهای قابل فهم رای‌گیری که پیشاپیش تعیین شده‌اند با خبرند.

- به کمک ناظران داخلی و بین‌المللی اطمینان حاصل کنند که ثبت نام رای‌دهندگان، به روز کردن اطلاعات مربوط به آن‌ها و فرایندهای رای‌گیری به درستی انجام می‌شود.

- احزاب سیاسی، نامزدها و رسانه‌ها را به تبعیت از ضوابطی خاص برای نظارت بر مبارزات انتخاباتی و دوره رای‌گیری ترغیب کنند.

- از طریق تدابیر مناسب جلوی رای‌دهی مجدد رای‌دهندگان و یا دادن آن‌هایی را که واجد شرایط نیستند بگیرند تا از صحت رای‌گیری اطمینان حاصل شود.

- از صحت فرایند شمارش آراء مطمئن شوند.

۳. دولت‌ها باید از رعایت حقوق بشر مردمی که در قلمروشان زندگی می‌کنند و یا در معرض قوانین آن‌ها هستند اطمینان حاصل کنند. از این رو دولت‌ها و نهادهای دولتی در زمان انتخابات باید مطمئن شوند که:

- آزادی رفت و آمد، اجتماعات، انجمن‌ها و آزادی بیان افراد به ویژه در تجمع‌ها و گردهمایی‌های سیاسی رعایت می‌شود.

- احزاب سیاسی و نامزدها در ارائه دیدگاه‌های خود به رای‌دهندگان آزادند و به رسانه‌های عمومی دسترسی یکسان دارند.

- گام‌های ضروری برای تضمین پوشش خبری غیر حزبی انتخابات در رسانه‌های عمومی و دولتی برداشته شده است.

۴. دولت‌ها برای برگزاری انتخاباتی منصفانه باید برای بهره‌مندی نامزدها و احزاب

سیاسی از فرصت‌های مناسب برای ارائه مواضع و اصول انتخاباتی خود تدابیر لازم را انجام دهند.

۵. دولت‌ها باید برای پنهان ماندن انتخاب افراد در زمان رای‌دهی تدابیر لازم و مناسب را پیش بگیرند و مطمئن شوند که رای‌دهندگان می‌توانند بدون هراس از مرعوب شدن، آزادانه رای دهند.

۶. همچنین مقامات دولتی باید از رای‌دهی افراد به شکلی که از تقلب و یا بی‌قانونی‌های دیگر پرهیز شود اطمینان حاصل کنند، مطمئن شوند که امنیت و صحت فرایند انتخابات حفظ شده و شمارش آراء توسط نیروهای آموزش دیده و تحت نظارت انجام می‌شود و یا امکان تایید صحت آن به شیوه‌ای بی‌طرفانه وجود دارد.

۷. دولت‌ها باید تدابیر لازم و مناسبی مثل حضور نمایندگان احزاب و ناظران معتبر را برای حصول اطمینان از شفافیت تمام مراحل انتخابات فراهم کنند.

۸. دولت‌ها باید تدابیر لازم را برای حفظ امنیت حامیان تمام نامزدهای انتخاباتی فراهم کنند و مقامات دولتی نیز باید برای جلوگیری از خشونت‌های انتخاباتی گام‌های ضروری را بردارند.

۹. دولت‌ها باید مطمئن شوند که شکایت‌ها و موارد نقض حقوق بشر مربوط به فرایندهای انتخاباتی فوراً، به شیوه‌ای موثر، در فاصله زمانی مشخص از فرایند انتخاباتی و توسط مقامات بی‌طرف مثل دادگاه‌ها و کمیسیون‌های انتخاباتی رسیدگی خواهند شد.

اعلامیه اسلامی حقوق بشر

اعلامیه اسلامی حقوق بشر یا اعلامیه حقوق بشر اسلامی یا اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام اعلامیه‌ایست که توسط سازمان کنفرانس اسلامی در ۱۴ مرداد ۱۳۶۹ (۵ اوت ۱۹۹۰) در شهر قاهره تصویب شد. این اعلامیه، خلاصه‌ای از نگاه اسلامی به حقوق بشر فراهم می‌کند. این اعلامیه معمولاً به عنوان واکنش اسلامی به اعلامیه جهانی حقوق بشر پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۸، تلقی می‌شود.

اعلامیه مشتمل بر یک مقدمه و ۲۵ ماده است و ضمن تاکید تضمین حقوق بشر و حمایت افراد در مقابل بهره‌کشی و ظلم، حقوق و آزادی‌های عمومی، جزئی از دین اسلام می‌داند. در این اعلامیه به حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری، زندگی موهبت الهی است، حرمت و منزلت انسان، برابری زن و مرد، فطری بودن دین اسلام، انسان آزاد متولد می‌شود، حق انتقال و انتخاب محل اقامت، آزادی انتخاب شغل، مشارکت فرهنگی و ثمره آن، حق زندگی سالم، برابری مردم در شرع، آزادی بیان، مشارکت در امور عمومی و غیره بیان شده است. اما ماده‌ای که مربوط به این بحث می‌باشد ماده ۲۲ می‌باشد که در بند ب

ماده ۲۳ اعلامیه حقوق بشر اسلامی آمده است «هر انسانی حق دارد در اداره امور عمومی کشور خود به طور مستقیم یا غیر مستقیم شرکت نماید. همچنین او می‌تواند پستهای عمومی را بر طبق احکام شریعت متصدی شود».

مردم در تعیین حق سرنوشت خویش که از دیدگاه عده‌ای دیگر تکلیف است از این اصل برابر برخوردار خواهد بود زیرا به انسان از این منظر که انسان، انسانی استعلایی می‌باشد نگاه می‌شود چراکه انسانها به این دلیل که انسان هستند و نه شهروندان دولتی خاص حقوقی دارند و هر انسانی به صرف انسان بودن دارای حقوقی هست و هیچ گونه تبعیضی از لحاظ نژاد، زبان، جنس، دین و سایر صورت نخواهد گرفت.

اسناد منطقه‌ای

اندیشه حکومت مردمی، وجه اشتراک منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، کنوانسیون میان آمریکایی حقوق بشر، و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر است. مقدمه کنوانسیون اخیر اعتقاد وثیق کشورهای متعاقد را به آزادی‌های اساسی که بنیاد عدالت و صلح در جهان هستند و می‌توانند با استقرار دموکراسی سیاسی موثر به نحو احسن حفظ شوند، مورد تاکید قرار می‌دهد. به دلیل اختلاف نظر عمیق بین مجمع مشورتی و کمیته وزیران حقوق انتخاباتی در متن کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قید نگردید لیک دست آخر یک تعهد میان دولتی انعطاف پذیری در ماده ۳ پروتکل نخست این کنوانسیون ظاهر شد. اعضای معظم متعاقد ملتزم می‌شوند که انتخابات آزاد را در فواصل زمانی معقول با رای گیری مخفی و تحت شرایطی که بیان آزاد نظرات مردم را در انتخابات قوه قانون گذاری تضمین نماید برگزار کنند. عناصر کلیدی در ماده ۳ عبارتند از واژه‌های «آزاد»، «فواصل زمانی معقول»، «رای گیری مخفی» و «بیان آزادانه نظر مردم». از این رو این ماده هیچ شکل یا نظام خاص انتخاباتی مقرر نمی‌کند و اختیار کشورها به مشروط ساختن اعمال حق رای دادن و آزادی‌های مرتبط با آن مثل آزادی بیان (طبق ماده ۱۰ کنوانسیون) را از بین نمی‌برد. مشروط بر آنکه این محدودیتها حقوق مورد نظر را تا آن اندازه مخدوش نکنند و اصل موجودیت آن حقوق از بین برود و کارایی و تاثیرگذاری آن زایل شود. بر این اساس نظام اروپایی حقوق بشر ناچار شد به تدریج راه خود را در به رسمیت شناختن این جنبه‌ی حقوق فردی نظام انتخاباتی هموار سازد. میثاق ۱۹۶۶ حقوق مدنی سیاسی، کنوانسیون سازمان کشورهای آمریکایی و تا حدی کمتر منشور آفریقایی این امر را از آغاز روشن ساختند اصول کلی راجع به مسئولیت دولت‌ها در مورد انتخابات وسیعاً در رویه کشورهای سراسر جهان انعکاس یافته است و در فعالیتهای نظارتی، بازرسی و مراقبتی ملل متحد و سازمانهای غیر دولتی

تثبیت شده است همچنین آنچه پدیدار می‌شود تصویری است از اینکه چگونه اصل موثر بودن و کارآمدی تعهدات شیوه‌هایی را برای پذیرش تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و سیاسی فراهم می‌آورد روندی که رسماً به هدف انتخابات آزاد و منصفانه ملتزم است (گودوین گیل، ۱۳۹۳: ۲۳-۲۰).

کمیسیون مستقل انتخابات

کمیسیون مستقل انتخابات (IEC) براساس فرمان شماره ۲۱ رئیس جمهور به تاریخ یازدهم ثور (اردیبهشت) سال ۱۳۸۳ تشکیل شده است.

بر اساس ماده ۱۵۶ قانون اساسی، کمیسیون مستقل انتخابات، صلاحیت و مسئولیت اداره و نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آرای عمومی مردم را در کشور به عهده دارد. کمیسیون مستقل انتخابات هفت عضو و نیز رئیس و معاون است.

در جدیدترین انتصابات که در کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان که توسط رئیس جمهوری افغانستان جناب دکتر محمد اشرف غنی صورت گرفت. مراسم تحلیف اعضای جدید کمیسیون که قبلاً در ارگ ریاست جمهوری انجام شده بود معاون دوم ریاست جمهوری در مرکز رسانه‌های کمیسیون مستقل انتخابات طی مراسم خاص به کارمندان کمیسیون معرفی و به کار خویش آغاز کرد. بر اساس قانون انتخابات، اعضای کمیسیون برای انتخاب رئیس، معاونان و منشی / سخنگو میان خویش انتخابات کردند که در نتیجه محترم نجیب الله احمد زی به حیث رئیس، محترمه وسیمه بادغیسی به حیث معاون عملیاتی، محترم قادر قریشی به حیث معاون مالی و اداری و محترم دکتور گلاجان عبدالبدیع صیاد به حیث منشی / سخنگو تعیین شد (<http://www.iec.org.af/fa/2012-06-23-06-11-53/pressr-fa/571-new-commissioners-fa>).

این نهاد با هدف تقویت دموکراسی، کوشش برای انتخابات با کیفیت و پاسخگو، ترویج اعتماد و اطمینان در روند انتخابات و ساختن نهادی پایدار برای برگزاری انتخابات آزادانه می‌کوشد. کمیسیون مستقل انتخابات به عنوان اداره آزاد و مستقل، مسئولیت تهیه و تصویب دستورالعملها، طرزالعملها و دیگر اسناد رهنمودی را در زمینه انتخابات بر مبنای احکام قانون اساسی و قانون انتخابات کشور به عهده دارد بر اساس قانون اساسی و قانون انتخابات افغانستان وظایف اصلی کمیسیون مستقل انتخابات بر طبق ماده ۱۹ قانون انتخابات افغانستان عبارتند از:

۱. اداره و نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آرای عمومی مندرج این قانون
۲. تصویب طرزالعمل‌های اجرایی به منظور تطبیق انتخابات
۳. تصویب پلان‌های اداری، بودجی، مدیریتی و عملیاتی انتخابات

۴. نظارت بر اجراآت و فعالیتهای دارالانشای کمیسیون و دفاتر ولایتی کمیسیون
 ۵. نظارت از مراحل ثبت نام، تهیه و تجدید فهرست ثبت نام رای دهندگان
 ۶. تصدیق فهرست کاندیدان ثبت نام شده در انتخابات مربوط و فهرست نهایی ثبت نام رای دهندگان
 ۷. تصویب تقویم انتخاباتی
 ۸. برنامه ریزی کمپاین معلومات مدنی و آگاهی عامه در سطح کشور
 ۹. تصویب طرزالعملهای استفاده از رسانه‌های همگانی و حصول اطمینان از دسترسی عادلانه احزاب سیاسی، کاندیدان و نهادهای و نهادهای جامعه مدنی به رسانه‌های همگانی دولتی حین مبارزات انتخاباتی.
 ۱۰. برقراری روابط و حفظ همکاری با احزاب سیاسی، کاندیدان مستقل، نهادهای جامعه مدنی مرتبط به انتخابات و رسانه‌ها
 ۱۱. تعیین و تصدیق مراکز ثبت نام رای دهی، محلات رای دهی و شمارش آرا
 ۱۲. صدور اعتبار نامه برای کاندیدان ریاست جمهوری، معاونین ریاست جمهوری، شورای ملی، شورای ولایتی، شورای ولسوالی، شورای قریه، شاروال‌ها و اعضای مجالس شاروالی‌ها
 ۱۳. صدور اعتبار نامه برای ناظرین و مشاهدین ملی و بین المللی، نمایندگان احزاب سیاسی، کاندیدان، نهادهای جامعه مدنی مرتبط به انتخابات و رسانه‌های همگانی
 ۱۴. اعلان نتایج اولیه، قسمی، ابتدایی و نهایی انتخابات به شکل رسمی
 ۱۵. نظارت از استخدام کارکنان دارالانشا و دفاتر ولایتی کمیسیون
 ۱۶. انجام سایر وظایف و صلاحیتهای مندرج این قانون
- کمیسیون نمی‌تواند، در جریان روند انتخاباتی لوایح و طرز العمل‌های مربوط را تعدیل نماید (قانون انتخابات، ماده نوزدهم، مصوب ۱۳۹۵/۶/۱۱: شماره ۱۲۲۶).
- دارالانشا بخش اجرایی کمیسیون مستقل انتخابات است که مسئولیت تطبیق و اجرای عملیات انتخابات را بر اساس چارچوب تعیین شده از سوی کمیسیون مستقل انتخابات بر دوش دارد رئیس جمهور رئیس دارالانشا را از میان سه شخص معرفی شده از سوی کمیسیون بر می‌گزیند و به این سمت منصوب می‌نماید.
- به اساس ماده متذکره (اصل ۱۵۶ قانون اساسی افغانستان) کمیسیون مستقل انتخابات منحیث یگانه نهاد در زمینه اداره و نظارت بر انتخابات و همه پرسی‌ها (ریفرنندوم)، تلقی گردیده و بصورت مستقلانه عمل مینماید. کمیسیون با در نظر داشت قانون اساسی، مسئولیت

برگزاری انتخابات آتی را داشته و میتواند از هر انتخابات در سطح کشور نظارت نماید:

انتخابات ریاست جمهوری

انتخابات ولسی جرگه

انتخابات شوراهای ولایتی

انتخابات شوراهای ولسوالی

انتخابات شوراهای قریه

انتخابات مجالس شاروالی (شهرداری)

انتخابات شاروالی ها (شهردارها)

همه پرسى ها (رفراندوم ها)

آموزش مدنى و اطلاع رسانی به رای دهندگان

مرکز تعلیمات انتخاباتی از سال ۱۳۸۷ بدینسو در دفتر مرکزی کمیسیون مستقل انتخابات در چوکات ریاست آگاهی عامه مصروف فعالیت آموزشی و آگاهی دهی است این مرکز تا اکنون برنامه های متعدد آموزشی پیرامون انتخابات در داخل و خارج کمیسیون به هدف نهادینه ساختن و ترویج فرهنگ انتخابات برای اقشار مختلف جامعه برگزار نموده و توانسته است که از طریق راه اندازی ورکشاپ های آموزشی به افراد واجد شرایط رایدهی، مسائل انتخاباتی را آموزش داده و فرهنگ انتخابات را ترویج نماید کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان از طریق ریاست آگاهی عامه، برنامه های آگاهی عمومی رای دهندگان را در سراسر کشور اداره می کند تا رای دهندگان در مورد روند انتخابات آموزش ببینند (-http://www.iec.org.af/fa/2012-06-22-16-16-20/vr-material-fa).

در بند ۸ ماده نوزدهم قانون انتخابات افغانستان ذکر شده: «برنامه ریزی کمپاین معلومات مدنی و آگاهی عامه در سطح کشور»

موارد مربوط به این موضوع در قسمت چهارم بند ۱ ماده ۴ اعلامیه مربوط به معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه آمده است.

وسایل اساسی در آموزش مدنی و اطلاع رسانی به رای دهندگان عبارت می باشند از:

تعلیمات مدنی، آموزش رای دهندگان، اجرای پروژه های کوچک تبلیغاتی

استفاده از رسانه های جمعی

در انتخابات آزاد، رای دهنده با توجه به آگاهی و اطلاعی که از نامزدها به دست می آورد، رای می دهد، از این رو، لازم است که این اطلاعات و آگاهی در اختیار آنها قرار گیرد. یکی از شیوه های اصلی و متداول در اطلاع یابی و آگاهی از وضع، برنامه ها و

شخصیت‌های نامزدها استفاده از رسانه هاست. رای دهندگان از اخبار تلویزیونی، روزنامه‌ها و مباحث و گفت و گوهای تلویزیونی استفاده زیادی می‌کنند و مسائل زیادی را می‌آموزند، از سوی دیگر سیاستمداران و مشاوران سیاسی و ارتباطی آنان نیز برای تاثیرگذاری بر نگرش رای دهندگان از رسانه به عنوان کانال ارتباطی تاثیرگذاری استفاده می‌کنند.

دسترسی به رسانه‌ها و پوشش منصفانه و متوازن دو مساله اصلی هستند. که این دو مورد در معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه هم ذکر گردیده است (بند ۳ ماده ۴ اعلامیه معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه). در قانون انتخابات افغانستان هم به این موضوع اشاره شده است که در این ماده آمده است «۱- در جریان مبارزات انتخاباتی تلویزیون، رادیو، روزنامه‌ها، جراید و سایر رسانه‌های همگانی می‌توانند مرامنامه‌ها، نظریات و اهداف کاندیدان را مطابق طرزالعمل وضع شده توسط کمیسیون طور منصفانه پخش و نشر دهند ۲- رسانه‌های همگانی دولت مکلف اند نظریات، اهداف و مرامنامه کاندیدان را با نظرداشت طرزالعمل کمیسیون به طور منصفانه و بی طرفانه پخش و نشر دهند.» (بند ۱ و ۲ ماده ۷۸ قانون انتخابات افغانستان)

مبارزات انتخاباتی

مبارزات انتخاباتی به مبارزه نامزدهای انتخاباتی برای کسب آرای بیشتر گفته می‌شود. فرایندی که در آن نامزد انتخاباتی و تیم تبلیغاتی اش با کمک برنامه ریزی استراتژیک به دنبال کسب آرای بیشتر است که در این میان از تبلیغات کمک فراوانی می‌گیرد. مبارزات انتخاباتی در قانون انتخابات افغانستان اینگونه تعریف شده است «فعالیت‌های تبلیغاتی است که توسط حزب یا احزاب سیاسی یا کاندیدان مستقل، به منظور جلب حمایت و کسب آرای رای دهندگان صورت می‌گیرد.» (بند ۱۵ ماده ۴ قانون انتخابات افغانستان)

موارد مربوط به این موضوع در ماده ۳ اعلامیه مربوط به معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه آمده است. این موضوع در قانون انتخابات افغانستان هم ذکر گردیده است. در قانون انتخابات افغانستان آمده است که: «۱- میعاد مبارزاتی برای کاندیدان به ترتیب ذیل تعیین می‌گردد انتخابات ریاست جمهوری ۶۰ روز، انتخابات ولسی جرگه ۲۰ روز، انتخابات شورای ولایتی ۲۰ روز، انتخابات شورای ولسوالی ۱۵ روز، انتخابات شورای قریه ۷ روز، انتخابات شاروال و مجالس شاروالی‌ها ۲۰ روز ۲- مدت مندرج فقره (۱) این ماده ۴۸ ساعت قبل از آغاز انتخابات ختم می‌شود ۳- طرز مبارزات انتخاباتی توسط طرز العمل جداگانه تنظیم می‌گردد.» (ماده ۷۶ قانون انتخابات افغانستان)

رای دهی در انتخابات

موارد مربوط به این موضوع در ماده ۲ اعلامیه مربوط به معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه آمده است که هر شهروند بالغی بدون هیچ تبعیضی حق دارد در انتخابات رای بدهد:

۱. هر شهروند بالغی حق دارد برای ثبت نام به عنوان رای دهنده به فرایندی عاری از تبعیض، بی طرف و موثر دسترسی داشته باشد.

۲. هیچ شهروند واجد شرایطی نباید از حق رای محروم شود و یا برای ثبت نام به عنوان رای دهنده بدون صلاحیت شناخته شود؛ مگر در شرایطی که قانون معیارهای منصفانه و قابل تشخیصی برای این کار معین کرده باشد. این قوانین باید با تعهدات کشور به قوانین بین المللی مطابقت کند.

۳. فرد محروم از حق رای و یا ثبت نام به عنوان رای دهنده باید اجازه داشته باشد از دادگاهی که قدرت بازبینی چنین احکامی را دارد و قادر به تصحیح موثر و سریع اشتباهات است فرجام خواهی کند.

۴. تمامی رای دهنده‌ها باید برای استفاده از حق رای خود به حوزه‌های رای گیری دسترسی یکسان و موثر داشته باشند.

۵. هر رای دهنده باید بتواند مانند دیگران از حق رای خود استفاده کند. رای افراد با یکدیگر برابر و هم وزن است.

۶. به هیچ وجه نمی توان حق قطعی افراد برای محرمانه ماندن محتوای رای شان را محدود کرد.

در مورد اینکه این موارد در قانون انتخابات افغانستان ذکر گردیده یا خیر باید به قانون انتخابات افغانستان مراجعه کنیم و این موارد در قانون انتخابات ذکر گردیده است که آنها را بررسی خواهیم نمود. مواردی که در ماده ۲ اعلامیه مربوط به معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه آمده است در مواد ۵ و ۶ و ۷ و ۳۵ و ۳۷ و ۷۲ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۴ قانون انتخابات افغانستان ذکر گردیده است.

نظارت بر انتخابات

موارد موارد به این موضوع در بندهای ۴ تا ۸ ماده ۴ اعلامیه مربوط به معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه آمده است. لیکن در قانون انتخابات افغانستان هم این مورد ذکر گردیده است در ماده ۱۹ قانون انتخابات افغانستان در بندهای ۱ و ۲ و ۴ و ۵ و ۱۵ در مورد نظارت بر انتخابات که بر عهده کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان می باشد که به آن اشاره خواهیم نمود

«کمیسیون دارای وظایف و صلاحیت های ذیل است:

۱. اداره و نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آرای عمومی مندرج این قانون.
۲. تصویب طرز العمل‌های اجرایی‌وی به منظور تطبیق انتخابات
۴. نظارت بر اجراآتو فعالیت‌های دارالانشای کمیسیون و دفاتر ولایتی کمیسیون
۵. نظارت از مراحل ثبت نام رای دهندگان
۶. نظارت از استخدام کارکنان دارالانشا و دفاتر ولایتی کمیسیون» (بندهای ۱ و ۲ و ۴ و ۵ و ۱۵ ماده ۱۹ قانون انتخابات افغانستان).

شکایت و حل و فصل انتخابات

در مورد این موضوع در بند ۹ ماده ۴ اعلامیه مربوط به معیارهای انتخابات آزاد و منصفانه آمده است که در این بند از ماده آمده است که: «دولت‌ها باید مطمئن شوند که شکایت‌ها و موارد نقض حقوق بشر مربوط به فرایندهای انتخاباتی فوراً، به شیوه‌ای موثر، در فاصله زمانی مشخص از فرایند انتخاباتی و توسط مقامات بی‌طرف مثل دادگاه‌ها و کمیسیون‌های انتخاباتی رسیدگی خواهند شد.»

قانون انتخابات افغانستان با ایجاد کمیسیونی با عنوان کمیسیون شکایات انتخاباتی به بررسی شکایات می‌پردازد. در ماده ۲۸ قانون انتخابات افغانستان قانونگذار چنین اشعار می‌دارد «به منظور رسیدگی به اعتراضات و شکایات ناشی از تخطی، تخلف و شناسایی جرایم مربوط به انتخابات، کمیسیون مرکزی شکایات انتخاباتی متشکل از ۵ عضو ایجاد میگردد.» و همچنین قانونگذار در فصل پانزدهم قانون انتخابات افغانستان که مربوط به رسیدگی به اعتراضات و شکایات انتخاباتی می‌باشد طرز رسیدگی به اعتراض و شکایت و جرایم انتخاباتی را در ۱۰ ماده از مواد ۹۰ الی ۹۹ تعریف می‌کند.

نتیجه گیری

انتخاباتی آزاد و منصفانه شمرده خواهد شد که انصاف و بی طرفی بر همه ابعاد رفتار فعالان سیاسی و رقبای سیاسی حاکم باشد با درنظر داشت این تعریف و برای تحقق آن می‌توان بر اساس اسناد بین المللی حقوق بشر مولفه‌های ذیل را سه بخش به عنوان شرایط یک انتخابات آزاد و منصفانه بر شمرد که بخش اول مربوط به حقوق افراد شرکت کننده در انتخابات بخش دوم قواعد و ضوابط حاکم بر فعالان سیاسی حاضر در انتخابات و بخش نهایی و سوم مربوط به مکلفیت‌ها و مسئولیت‌های دولت می‌باشد. در بخش اول مسائلی همچون حق رای دادن بدون هرگونه تبعیض، عدم محرومیت غیر قانونی از شرکت در انتخابات، حق دسترسی به مراجع قضایی فرجام خواهی، برابری آرا و نیز محرمانه ماندن رای‌ها موضوع بحث است و چنانچه ملاحظه شد نظام حقوقی افغانستان مکانیزهای لازم برای تحقق موارد فوق را به خوبی در قوانین مختلف خود اعم

از اساسی و عادی در نظر گرفته است. در رابطه با موضوعات بخش دوم که شامل قواعد و ضوابط حاکم بر فعالان سیاسی حاضر در انتخابات می‌باشد نیز در پیروی از رهنمودهای قانون اساسی قوانین انتخابات و قانون تشکیل و صلاحیت کمیسیون مستقل نظارت بر انتخابات تمهیدات لازم را در نظر گرفته و توجه کافی به این امر مبذول داشته‌اند. همین قوانین و نیز قواعد حقوق بشری که دولت افغانستان در ماده ۷ قانون اساسی خود را مکلف به رعایت آنها می‌داند مسئولیت‌هایی را برای دولت در راستای تامین شرایط جهت برگزاری یک انتخابات آزاد و منصفانه در نظر گرفته‌اند که تقریباً در تطابق با یکدیگر قرار دارند و در نهایت میتوان گفت که نظام حقوقی افغانستان از لحاظ نظری قواعد نسبتاً جامعی را در رابطه با انتخابات و به طور خاص شرایط برگزاری یک انتخابات آزاد و منصفانه دارا می‌باشد و در سال‌های اخیر تلاش نموده است تا نقاط ضعف و نقایص خود را جبران نماید چنانچه قانون انتخابات افغانستان در تابستان سال جاری (شهریور ۱۳۹۵) و پس از بازنگری و اصلاح به تصویب مجلسین رسیده و جایگزین قانون انتخابات سال ۱۳۸۳ گردیده است. و به وضوح می‌توان تفاوتها و پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای را قانون جدید نسبت به قانون قبلی ملاحظه کرد چنانچه افزایش تعداد مواد به حدود دو برابر و ذکر جزئیات تخلف بر انگیز که در گذشته سلامت انتخابات در افغانستان با خطر مواجه ساخته بودند از مثال‌های بارز این تحول مثبت می‌باشد به نظر می‌رسد آنچه که امروز سلامت انتخابات، بی طرفی و آزادانه بودن آن را مورد تهدید قرار می‌دهد نه از ناحیه نقص قانون بلکه از ناحیه عدم توانایی دولت در تطبیق آن و وجود فساد گسترده در نظام اداری افغانستان می‌باشد که تجربه نشان می‌دهد رفع آن فقط بواسطه‌ی افزایش سطح آگاهی مردم و فرهنگ سازی در دراز مدت امکان پذیر خواهد بود.

فهرست منابع

۱. احمدی، علی، انتخابات در ایران، تهران، میزان، ۱۳۸۹.
۲. جریده رسمی وزارت عدلیه (روزنامه رسمی قوه وزارت دادگستری)، شماره ۱۲۲۶.
۳. دیلمی، احمد، مشارکت سیاسی در اندیشه اسلام و غرب، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۱۶، بهار ۱۳۷۸.
۴. عبدی، عطاالله، تبیین رویکردهای قومیتی در شعارهای انتخاباتی نامزدهای ریاست جمهوری، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال دهم شماره سوم پاییز ۱۳۹۳.
۵. غفوری، محمد، آیین‌های حزبی و آیین‌های انتخاباتی، اطلاعات سیاسی اقتصادی، آذر و دی ۱۳۷۸ - شماره ۱۴۷ و ۱۴۸.
۶. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج ۱۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۳.
۷. قانون اساسی افغانستان.
۹. قانون جدید انتخابات افغانستان مصوب ۱۳۹۵/۰۶/۱۱.
۱۰. الکلیت، بورگن، انتخابات آزاد و منصفانه، ترجمه احمد مرکز مالیری، مجله مجلس و پژوهش، سال ۱۱، شماره ۴۶.
۱۱. گودوین گیل، گای اس، انتخابات آزاد و منصفانه در حقوق و رویه بین‌المللی، ترجمه سید جمال سیفی و سید قاسم زمانی، تهران، موسسه حقوقی شهر دانش، چاپ دوم ۱۳۸۹.
12. Guy s. Goodwin- Gill, Free and Fair Elections, Inter- Parliamentary Union, New Expanded Edition, Geneva, 2006, Pp. V, VII.
13. United Nations Charter.
14. Universal Declaration of Human Rights.
15. International Covenant on Civil and Political Rights.
16. <http://vista.ir/>
17. <http://www.iec.org.af/>
18. <http://www.saaad.net/>